گزارش تخصصی مدیر و معاون مدرسه :

جلوگیری از مدرسه گریزی یکی از دانش آموزان با راهکارهای مناسب

فهرست مطالب

[چکیده:](#page3) [3](#page3)

[کلیدواژه ها:](#page3) [3](#page3)

[مقدمه: (بیان و طرح مساله )](#page4) [4](#page4)

[ارزیابی از وضعیت موجود](#page6) [6](#page6)

[اهداف اختصاصی :](#page6) [6](#page6)

[هدف اصلی :](#page6) [6](#page6)

[اهداف جزئی :](#page6) [6](#page6)

[مقایسه با شاخص :](#page7) [7](#page7)

[جمع آوری اطلاعات](#page7) [7](#page7)

[گردآوری اطلاعات ،تجزیه وتحلیل وارائه راهکارموقتی](#page7) [7](#page7)

[اجرای راهکارها](#page8) [8](#page8)

[ارزیابی بعد از اجریا طرح](#page9) [9](#page9)

[ارزشیابی تأثیراقدام جدید وتعیین اعتبارآن](#page10) [10](#page10)

[نقاط قوت طرح :](#page11) [11](#page11)

[نتیجه گیری وگزارش نهایی:](#page11) [11](#page11)

[پیشنهادات:](#page11) [11](#page11)

[راهکارهایی برای حل مشکل مشابه درخانواده ها](#page12) [12](#page12)

[فهرست منابع](#page13) [13](#page13)

چکیده:

دراین گزارش تخصصی که موضوع آن جلوگیری ازمدرسه گریزی یکی از دانش آموزان می باشد.هدف این بودکه دانش آموزمذکوررابه حضورمنظم درمدرسه وکاهش اضطراب( تعلق به خانواده) دراوسوق دهیم ؛برای این منظورازروش پژوهشی استفاده کردیم .من که معاون مدرسه بودم باکمک مدیرومشاورمدرسه ومعاون آموزگار بادعوت اولیای دانش آموزوچندین جلسه بحث وگفتگووارائه رهنمود(عدم ترک خانه درموقع برگشتن فرزندش ازمدرسه واستقبال ازاو)وازهمه مهم تردادن مسولیت وبزرگ ترجلوه دادن نقاط قوت دانش آموزتوانستیم رفتاردانش آموزرااصلاح کنیم.وبه این نتیجه رسیدیم که نیازبه تعلق به خانواده بایددرکودک تأمین شود تا او آرامش روانی داشته باشدوباخیال راحت درسرکلاس درس حاضرشود.

کلیدواژه ها:

مدرسه گریزی،مسوولیت،تعلق

مقدمه: (بیان و طرح مساله )

اصطلاح » گریز از مدرسه « پس از اجباری شدن آموزش و پرورش در اواخر قرن نوزدهم متداول شد . درآن هنـگام ، اصطلاح مزبور احتمالا” تمـام اشکال غیبت بدون اجازه از مـدرسه را شامل می شـد ، و تنـها دراین اواخر بود که کار بررسی غیبت ، در اشکال گوناگون و محتمـل آن بتدریج آغاز شد . این امر بدان علت است که غیبت از مدرسه نشانـهایی از یک اختـلال است ، که نمـی توان آن را به صورتی که ممکن است ترسهای شبانه ، خیس کردن بستـر،یاهوس غذای را درخانواده پنـهان نگه داشت،از انظار مخفی کرد.معلمان احساس می کنند که مدرسه گریزی یک کودک یا ترس او از مدرسه،بازتابی بر آنها دارد ومدد کاران اجتماعـی نیـز هنگامی که نمی تواننـد کودک را بــر آن دارند که به مدرسه باز گرد ،ممکن است احساس ناکامی کنند(طالعی،.(1387

اگر کـودک بدون اطلاع پدر یا مادر از مـدرسه غیبت کند ، این را می توان مدرسه گریزی نامید.انسان از خود سؤال می کند، که اگر کودک به مدرسه نرود،چه بر سر او خواهد آمد؟ شغل آینـده اش چه خـواهد شد؟ مسؤول آمـوزشی چگونه می تواند آنهایی را که واقعا“ مدرسه گریزند،وادار به حضور در مدرسه بکند؟

با آغاز سال تحصیلی کلاس اولی ها به مدرسه می روند تا دنیای گسترده تری را تجربه کنند.دوستی های جدید،ارتباطات وسیع تر،آشنایی با معلمان،آشنایی با خطوط کجی که به تدریج شکل حروف الفبا را به خود می گیرد،توانایی خواندن و نوشتن و دنیای محدود کودک را گسترش می دهد.بعضی ها گریان و بعضی ها خندان گام به مدرسه می گذارند،شادی یا اضطراب و نگرانی، دو حالت متضادی است که می توان در چهره ی این نونهالان مشاهده نمود(همان منبع).

اولین مسئله ای که در فرستادن کودک به مدرسه حائز اهمیت باشد،میزان آمادگی وی برای پذیرش نقش ومسئولیت دانش آموزی است.آمادگی را می توان با توجه به سن تحولی ورشد وی،میزان انطباق جویی وی باشرایط اجتماعی شدن ودرک تضادها و توقعات آموزشی سنجید نه به اتکای نمره استاندارد شده یک آزمون خاص،از این رو فرستادن کودک به کلاسهای آمادگی تا حد زیادی تعیین کننده ی میزان آمادگی کودک برای رفتن به کلاس اول است.هر چند برخی ویژگیها مانند اینکه:هنگام مدرسه رفتن گریه می کنند،به موقع لباس نمی پوشند،صبحانه نمی خورند،تظاهر به درد شکم و معده می کنند،وقت را تلف می کنند وصراحتا می گویند:» من نمی خواهم به مدرسه بروم.« در اکثر کودکان هفت ساله دیده می شود،اما همین که کودک به مدرسه رسید،تمامی این شکایت به پایان می رسد و کودک با سایر کودکان همگام و همراه می شود.اما کودکی که آمادگی رفتن به مدرسه را ندارد،نه تنها قادر به انطباق اجتماعی،نقشها،مسئولیت ها،به کارگیری مهارتهای اجتماعی،دوست یابی و … نیست،بلکه نمی تواند از مفاهیم آموزشی بهره لازم را نیز بگیرد(همان منبع).

در راستای این مبحث در مجله پیوند شماره281 آمده است:

مهرماه برای اکثر افراد بخصوص کلاس اولی ها همیشه با خطرات تلخ و شیرین توام بوده است،اصولا یکی از ترس های خاص کودکان ترس از مدرسه است. در این حالت کودک از رفتن به مدرسه خود داری می کند و در منزل می ماند و به اصرار پدر و مادر هم توجهی نمی کند. پا فشاری و اصرار پدر و مادر باعث پیدایش علائم عدم تعادل روانی و اختلالات جسمانی می شود.اختلالات جسمـانی به صورت دل درد ، استفراق ،سردرد. سرگیجه و ضعف ظاهر می شود وغالبا ادامه پیدا می کند.اضطراب دوری از مادر از جمله عواملی است که سبب امتناع از رفتن به مدرسه می شود.بعضی از کودکان آنقدر به مادر خود تعلق خاطر دارند که حاضر نمی شوند لحظه ای از او جدا شوند،در چنین وضعیتی مادران معمولا ناگزیر می شوند همراه کودکان خود به مدرسه رفته و کنار او بمانند، ولی از آنجایی که انجام این کار همیشه برای مادران مقدور نیست،لذا مسؤلان مدرسه گاهی برای

ممانعت از بی قراری و بهانه جویی کودک ناچار به استفاده از حربه ی دروغ شده و به کودک می قبولانند که مادرش در دفتر مدرسه حضور دارد و بدین ترتیب او را قانع می کنند(خوش کام، 1381،ص48تا.(50

مشکل ترین پایه تحصیلی در دوره دبستان،کلاس اول ابتدایی است. کودکی که قبلا هیچگونه آشنایی با محیط درس،کلاس،مدرسه و شخصی به نام آموزگار نداشته به ناگاه خود را در آن محیط،تنها و به دور از خانواده احساس می کند.

آشنایی با روحیه این دسته از کودکان و چگونگی شکل گیری شخصیت آنان در خانواده های مختلف می تواند معلمان را در برقراری یک رابطه ی سالم و منطقی با آنان رهنمون شود.

ارزیابی از وضعیت موجود

اینجانب ......................... در سال 94-95 در مدرسه .................. به عنوان معاون مدرسه .................... مشغول

به خدمت بودم .

در این مدرسه 78 نفر مشغول به تحصیل بودند . در بین دانش اموزان مساله مدرسه گریزی یک دانش آموز به نام حسین وجود داشت .

اهداف اختصاصی :

هدف اصلی :

جلوگیری از مدرسه گریزی دانش آموز

اهداف جزئی :

-1 بررسی علل مدرسه گریزی از مدرسه

-2 پیدا کردن راه هایی جهت جلوگیری از مدرسه گریزی در دانش آموز

-3 ارائه راهکارهای پیشنهادی به سایر همکاران در برخورد با این مشکل

مقایسه با شاخص :

در مقایسه با شاخص این دانش آموز باید بدون هیچ استرس و اضطرابی در مدرسه حضور می یافت و از مدرسه گریزان نبود .

جمع آوری اطلاعات

دانش آموزی به نام حسین ازابتدای سال گاهی به بهانه های مختلف ازرفتن به مدرسه سربازمی زد(سردرد،شکم درد)وازاواخرآبان ماه این بهانه ها بیشترشد،به خصوص هنگامی که شیفت بعدازظهربودند؛رفتن به مدرسه به صورت کابوسی برای او واهل خانواده بودودرصورت رفتن هم ،کلاس رارهاکرده وبه خانه بر می گشت.من وخانواده او وهمه ی عوامل مدرسه درپی راهکاری بودیم که این مشکل حل شود.

گردآوری اطلاعات ،تجزیه وتحلیل وارائه راهکارموقتی

طی گزارش هایی که ازمدرسه امیرکبیر و توسط مدیر مدرسه ارسال می شدوبازدید هایی که خودمان(عوامل اجرایی مجتمع)ازمحل زندگی حسین انجام می دادیم وهمچنین روابط فامیلی که باراولیای دانش آموزداشتم،عدم حضورویافرارازمدرسه این دانش آموزمشهودبود.

برای گردآوری اطلاعات طی چندین جلسه با مدیر مدرسه و همچنین اولیای اوودرپی آن مطرح کردن موضوع درجلسه ی شورای معلمان ومصاحبه باخوددانش آموز به این نتیجه رسیدیم که :

-1 برای تشویق اوبرای ماندن درمدرسه ،جوایزی درقبال پیشرفت تحصیلی( ولوبه مقدارکم )درحضوردانش آموزان به اوداده شود.

-2 درزنگ های تفریح به اومسولیت( دربان)بدهیم تاخودش مانع رفتن سایردانش آموزان ازمدرسه شود.

-3 درصورت لزوم ارجاع به مشاورمجتمع

-4 صحبت باخوددانش آموزونصیحت او

-5 ارتباط صمیمی ودوستانه معاون آموزگاروسایرمعلمان بااو

-6 تعویض جای نشستن دانش آموز درنیمکت هابادانش اموزان دیگر

اجرای راهکارها

برای تشویق اوجوایز مختلفی که توسط مدرسه وحتی اولیا تهیه شده بودبه دانش آموزاهداشد.درزنگ های تفریح مسوولیت دربانی رابه اوسپردیم وهمچنین خودمن بااوصحبت کردم ؛بهانه های مختلفی می آورد،گاهی می گفت:» من ازمعلم خوشم نمی آید».«می خواهم جایم راعوض کنم.«درعمل به هیچ کدام ازاین ها راضی نمی شدوازجواب دادن طفره می رفت.حتی تهدیدهم اثرنمی کرد.درکل اجرای این راهکارها فقط به این منجرشدکه دانش آموزهفته هایی که شیفت صبح بودتقریبا"تاآخرزنگ درمدرسه می ماند ولی شیفت های بعدازظهراصلا"راضی نبودبه مدرسه بیاید.اودلیل آن راخستگی اوعنوان می کردند.وهمچنین نمی تواندبه بازی هایش برسد.

به آخرین راه حل فکرکردیم .ارجاع به مشاور.طی دوجلسه مشاوره بااین دانش آموزکه درمرکزمجتمع انجام شد.نتیجه ای قابل توجهی نگرفتیم.همه ی راهکارها راخوددانش آموزازقبل بلدبود.وهیچ کدام ازراه حل ها او را راضی نمی کرد.طی چندین جلسه دعوت اولیای دانش آموزبه مدرسه وهمچنین مراجعه به خانه آن ها(ازآن جایی که پسران دراین سن وابستگی عاطفی زیادی به مادردارند)متوجه وابستگی شدیداین دانش آموزبه مادرش شدیم که ماجراازاین قراربودکه شیفت های بعدازظهرکه دانش آموزبه مدرسه می آمدمادرهمراه 2دخترش که بزرگترازبرادرشان بودندبرای خریدبیرون می رفتندوموقع مراجعه بچه به خانه آن هادرخانه نبودند.ویاموقعی هم

که درخانه بودند شب برای اوتعریف می کردندکه بعدازظهربه کجاهارفتیم وازاین موارد........ .واولیااین موارد را ازمامخفی می کردند.خوددانش آموزهم اعتراف به این موردنمی کرد.فرزندشان هم وقتی به مدرسه می آمد دراسترس این بودکه نکندمادروخواهرهایم به جایی بروندومن رانبرند.

برای حل این مسأله، من که قبلا"رابطه دوستی خوبی بادانش آموزبرقرارکرده بودم علت راازطریق مصاحبه بادانش آموز وکمک معاون آموزگار(باتوجه به رفتارپراسترسی که درکلاس داشت) دریافتم بادعوت ازمادردانش آموزبه مدرسه وقول گرفتن ازاودرحضورفرزندش که دیگربعدازظهرهابه جایی نرودحتی ایشان 2جلسه هم دردفترمدرسه نشست تاخیال فرزندش راحت شود.روزبعدمن که ضمانت قول مادرش رابرعهده داشتم، به جای اودردفترمنتظرماندم وزنگ های تفریح اوبه دفترسرمی زد تاببیندکه من هستیم یانه.

باکمک مدیر ان جلسه به اومسوولیت دربانی دادیم ومن هم دردفترمدرسه بودم وقراربودکه به اوبه دفترسربزندکه یادش رفت وازروزبه بعدبودکه اودیگردرکلاس درس حاضر می شد.البته به اولیا به خصوص به مادرش توصیه کردیم که حتی الامکان بعدازظهرهاازمنزل خارج نشودویانیم ساعت مانده به وقت تعطیلی مدرسه درخانه حاضرباشدودرخانه حرف ازبرنامه های خرید ودید وبازدید بعدازظهرنزنند(معمولا"خانم های خانه داربعدازظهرها برنامه ی خرید ودید وبازدید دارند).

ارزیابی بعد از اجریا طرح

دانش آموز حسین درطول یک هفته بعدازاجرای راهکارهای پیشنهادی، حضوردرکلاسش منظم بود.به گفته پدرومادرش دیگرکمتربهانه می گرفت.حتی تنهایی ویابا دوستانش به مدرسه می رفت . مدیر مدرسه هم ازرفتاروآرامش اودرکلاس ومدرسه رضایت داشت.

ارزشیابی تأثیراقدام جدید وتعیین اعتبارآن

آماده ساختن کودک برای زندگی درخارج ازمحیط خانوادگی،یکی ازبزرگترین وظایف اجتماعی

پدرومادراست وکیفیت روابط خانوادگی،تأثیرعمیق وپایداری برتحول روانی کودکان برجامی گذارد.خانواده ای که ازتوان وامکانات لازم برخورداراست تاوظایف پدرومادریش رابه نحوی مطلوب وباموفقیت انجام دهد،درهریک ازاعضایش احساس ایمنی،وابستگی ورفاقت ایجادمی کند؛همچنین احساس داشتن هدف ،جهت ،پیشرفت وارزش فردی رادرآنان به وجود می آورد.این امربرای کودک ازاهمیت خاصی برخورداراست؛زیراخانواده بین او ودنیای گسترده،درحکم سپر،صافی وپل عمل می کند.بنابراین،خانواده نقش منحصربه فردی درپی ریزی اساس سازگاری

فردباجامعه ایفامی کند.قابلیت های پیوستگی،همکاری،خلاقیت اززندگی خانوادگی نشأت می گیرد(پرینگل،.(1389

چنین کودکی درمحیط خانواده به صورتی تربیت شده است که بیش ازحد،خودرابه مادرش وابسته

می داند،به نحوی که کوچکترین عملی رابرای رفع نیازهای خودبه مادرش می سپارد(گنج جو،.(1368

بخش بزرگی ازرفتاربچه ها ناشی ازمشکلات خانوادگی است.بامشاهده این رفتارها(بدون اجازه کلاس راترک کردن)بایدبه چاره جویی پرداخت.وقتی به اومسوولیت می دهیم آنقدردرنقش جدیدش گرفتار می شودکه رفتارهای گذشته رادیگربه انجام نمی رساندوهمچنین بایدبه جای تخریب اعتمادبه نفس،نقاط قوت اورا بزرگ ترجلوه دادوباایجادنزدیکی وصمیمیت،کاری کنیم تااحساس امنیت وآرامش نماید(کریمی.(1387

درسلسله نیازهای مثلث مازلو((1970 بعدازنیازهای فیزیولوژیک وایمنی،به مرحله نیازبه محبت وتعلق داشتن می رسیم که این دانش آموز حسین احساس می کردکه موردمحبت واقع نشده ،تعلق به خانواده نداردوخانواده درگشت وگذارها،خریدهاومهمانی ها اورامشارکت نمی دهدکه باعث این مشکل (مدرسه گریزی)شده بود.

نقاط قوت طرح :

کاهش اضطراب دانش آموز و علاقه وی به ماندن در مدرسه

همکاری عوامل مدرسه از مدیر و اموزگار و مشاور باهم

نتیجه گیری وگزارش نهایی:

درمشکل موردبحث ماوقتی مشکل ریشه یابی شد ( نبود مادروخواهران درخانه هنگام برگشتن دانش آموزازمدرسه )وباقولی که ازمادرش گرفتیم برای حضوردرخانه واستقبال ازفرزندش هنگام برگشتن ازمدرسه ،ودادن مسولیت به دانش آموزوبرجسته کردن نقاط قوت دانش آموز،مشکل اوحل شدوبعدازآن باآرامش بیشتری درسرکلاس حاضرمی شد.

نکته ای که بایداشاره کرداین که تغییردررفتاریک فردبه پروسه ی زمانی طولانی تری نیازمنداست ونبایدعجله وشتاب نمود.

پیشنهادات:

پیشنهادمی شودابعادمختلف مدرسه گریزی وترس ازمدرسه درنوجوانان به صورت تحقیق میدانی بررسی شودتاباارائه ی راهکارواقدامات پیشگیرانه مانع ازاین امربشویم.

مدارس سعی نمایندازطریق ارتباط بیشتربااولیامشکلات مربوط به اختلالات رفتاری دانش آموزان راحل نمایند.

راهکارهایی برای حل مشکل مشابه درخانواده ها

-1پدرومادرهاباید سعی کنندکودکان خودرامستقل به بارآورند.کودکی که همه ی امکانات زندگی به صورتی سهل وساده دراختیارش گذاشته می شود،نخواهدتوانست خودرابامحیطی سازگارکندکه هرکس ازحقوقی مساوی سهم می برد.

-2اعمال ورفتارپدرومادربایدبه نحوی باشدکه کودک آمادگی پذیرش محیط های جدیدوسازش باآنها راداشته باشد.

-3یاری ومساعدت والدین به کودک،بایدبه نحوی غیرمستقیم انجام بگیردوکودک خودراعاملی بالقوه وبالفعل دربرابرسدمشکلات ببیند.

-4بابرخورد صحیح ومشخص به کودک بقبولانیم که روابط مابااوهمیشه عادلانه ومنصفانه خواهدبود(گنج جو،.(1368

فهرست منابع

-1پرینگل،میاکلمر((1386،نیازهای کودکان،ترجمه نیره ایجادی وجوادشافعی مقدم،تهران،رشد

-2خوش کام،سیمین((1381،ترس ازمدرسه،مجله تربیت،شماره281،صفحه48 -2طالعی،سهیلا((1387، مدرسه گریزی در کودکان را جدی بگیریم،بازیابی شده درتاریخ91/3/19در سایتwww.sohila.blogfa.com

-3کریمی،رامین((1387،آنچه هرمعلمی بایدبداند،تهران،نشربهارسبز -4گنج جو،بهروز((1368،»فوبیای مدرسه«ترس ومدرسه گریزی کودکان،نشریه اطلاعات،شماره124،صفحه1